

«سیاست»

احزاب

اتحادیه های کارگری

لیبرال ها

حزب محافظه کار (H=Conservative)

حزب کمونیست (NKP=Norges Kommunistiske Party=Communist)

(Party)

حزب سبز "طرفداران محیط زیست" (MDG)

حزب Stop Immigration

حزب کارگر (A=Labour party)

حزب میانه رو "مرکزی" (SP=Centre Party)

حزب دموکرات مسیحی (KFP=Christian Democratic Partg)

حزب سوسیالیست چپ (SVP=Socialist Left Party)

قانون اساسی و ویژگی های آن

حقوق سیاسی و فردی در قانون اساسی

چگونگی انتخاب پادشاه

قوه مقننه

قوه مجریه

قوه قضائیه

تقسیمات کشوری و اداری

جدول شهرهای مهم نروژ و جمعیت آنها

پرچم

سیستم انتخابات

سیستم دفاعی

صنایع نظامی

ساخت ارتش

خلع سلاح و سلاح هسته‌ای

عضویت در پیمان‌های نظامی



نروژ

کشور نروژ در نیم کره شرقی، نیم کره شمالی قرار دارد. این کشور، میان ۵۸ و ۷۵ درجه



عرض شمالی و ۴ درجه طول شرقی واقع شده است.

در قرون هفتم و هشتم میلادی، اقوام نورماند ساکن نروژ به انگلستان و فرانسه حمله کردند و

متصرفات وسیعی در این کشور بدست آوردند از سال ۸۷۲ میلادی، حکومت پادشاهی در نروژ

روی کار آمد و در قرن ۱۱، دین مسیح در این کشور رواج یافت. در قرن سیزدهم، همزمان با

توسعه دریانوردی نروژ، مردم این کشور نیز به اوج قدرت خود رسیدند.

قانون اساسی نروژ در ۱۷ می ۱۸۱۴ به تصویب رسید. طبق این قانون کشور پادشاهی نروژ،

کشوری آزاد، مستقل، تجزیه ناپذیر و غیر قابل انتقال است و شکل حکومت آن مشروطه سلطنتی و

موروثی می باشد

از بُعد اقتصادی، نروژ در بخش های نفت، کشتیرانی و شیلات از موقعیت خاصی در جهان

برخوردار است خاصه از نظر نفت در اروپا اهمیت قابل توجهی دارد.



احزاب

شکلی اولین حزب سیاسی در نروژ به بیش از یک صدسال پیش باز می گردد. اگرچه قبل از آن، گروه‌هایی وجود داشتند که در پارلمان نروژ فعالیت می کردند، ولی این گروه‌ها تشکیلات سازمان یافته‌ای نداشتند. از سال ۱۸۱۴ تا سال ۱۹۰۵ نروژ با سوئد تحت یک پادشاهی اداره می شدند، در واقع نروژ زیر نظر سوئد فعالیت می نمود. در سال ۱۸۸۴ یک بحران سیاسی که (مورد کنسولی) نام گرفت، منجر به ایجاد یک سیستم پارلمانی گردید. در ارتباط با این بحران، اولین حزب سیاسی در نروژ شکل گرفت که حزب فعلی لیبرال باقیمانده از آن شکل است. شش ماه بعد، مخالفت‌های سیاسی در پارلمان نروژ به نام استورتینگ آغاز شد که این مخالفت‌ها، منجر به تشکیل حزب فعلی محافظه کار گردید. علاوه بر این دو حزب، احزاب دیگری نیز در نروژ وجود دارند. در زیر در مورد هر یک از آنها توضیح داده می شود:

اتحادیه‌های کاری

لیبرال‌ها

حزب محافظه کار (H=Conservative)

حزب کمونیست (NKP=Norges Kommunistiske Party=Communist Party)

حزب سبز "طرفداران محیط زیست" (MDG)

حزب Stop Immigration

حزب کارگر (A=Labour party)

حزب میانه‌رو "مرکزی" (SP=Centre Party)

حزب دموکرات مسیحی (KFP=Christian Democratic Partg)

حزب سوسیالیست چپ (SVP=Socialist Left Party)

حزب ترقی خواه (FP=Progress ParigZ)

جدول وضعیت پارلمان احزاب (تعداد کرسی)

لیبرال‌ها

پیشروان این حزب گروه نمایندگان رادیکال بودند که در دهه ۱۸۶۰ با مقامات دولتی به مخالفت

برخاستند و خواستار دموکراسی بیشتر شدند. لیبرال‌ها، تشکیلات پارلمانی خود را با ۳۸ نماینده در

مقابل ۳۱ نماینده طرف محافظه کار شروع کردند که این برتری دوام زیادی نداشت و در عرض

چندسال اختلافات زیادی در درون حزب بوجود آمد و به مرور حزب لیبرال‌ها یک حالت تدافعی

به خود گرفت. تا اینکه در سال ۱۹۷۲، این حزب در مورد عضویت نروژ در بازار مشترک اروپا

بانگ مخالف سرداد و همین امر سبب گردید که حزب به شدت از هم گسیخته شود.

در کنگره حزب لیبرال‌ها در این سال، افرادی که موافق عضویت نروژ در جامعه اروپا بودند از

حزب جدا شدند و حزب لیبرال جدیدی را تشکیل دادند که تا انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۵،

نمایندگانی در پارلمان داشتند ولی در انتخابات ۱۹۸۹ مجدداً با یکدیگر ائتلاف کردند تا شاید بتوانند نماینده‌ای در پارلمان داشته باشند که موفق نیز شدند.

این حزب در گذشته، در مقاطعی با احزاب غیرسوسیالیست وارد دولت‌های ائتلافی شده است. مثلاً از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳ با دولت‌های غیرسوسیالیست ائتلاف داشت. حزب لیبرال از سال ۱۹۸۱ وارد پارلمان شد ولی هیچگونه نقشی در همکاری با دولت غیرسوسیالیست نداشت و در حال حاضر نقش عمده‌ای را بر عهده ندارد.

حزب لیبرال در مورد عضویت نروژ در جامعه اروپا موضع روشنی اتخاذ نکرده است. اما بعضی معتقد هستند که این حزب علاقمند به عضویت مشروط نروژ در جامعه اروپا است.

حزب لیبرال در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳، با کسب ۳/۶٪ از آراء یک نفر نماینده به پارلمان اعزام نمود.

حزب محافظه کار (H=Conservative)

این حزب در اثر اختلافات درونی در حزب لیبرال تشکیل شد و سیاست آن بر اساس دموکراسی، حق مالکیت و آزادی فردی بنا شده است. حزب محافظه کار به مرور به قدرت زیادی دست یافت و در مقابل حزب کارگر همیشه موضع گیری کرده است. زیرا حزب کارگر بعد از جنگ جهانی اول تقریباً یک‌هزارمیدان سیاست در نروژ بود، اما پس از جنگ دوم جهانی، محافظه کاران توانستند

قدرت مطلقه حزب کارگر را درهم بشکنند و در مقاطعی از زمان، دولت غیرسوسیالیست را تشکیل دهند.

اولین دولت غیرسوسیالیست، در سال ۱۹۶۳ در نتیجه یک بحران سیاسی به قدرت رسید که

محافظه کاران رهبری این دولت را در دست داشتند. در انتخابات پارلمانی ۱۹۶۵، این حزب قدرت

خود را مستحکم تر نمود و توانست دولتی تشکیل دهد که تا زمستان ۱۹۷۲، یعنی زمانی که

اختلافات داخلی بر سر تمایل عضویت در جامعه اروپا شدت گرفت، ادامه یافت. از این زمان تا

سال ۱۹۸۱، از محافظه کاران، هیچ دولتی به قدرت نرسید.

در سال ۱۹۸۱، یک دولت محافظه کار به ریاست آقای ویلوخ تشکیل شد. این دولت تا سال ۱۹۸۶

مجبور شد که با دو حزب دموکرات مسیحی و میانه رو ائتلاف کند که این دولت تا سال ۱۹۸۶ در

قدرت باقی ماند. محافظه کاران مجدداً در سال ۱۹۸۹ یک دولت ائتلافی به ریاست سیسه تشکیل

دادند که این دولت بیش از یک سال دوام نیاورد و در سال ۱۹۹۰ مجبور به کناره گیری شد.

سیاست فعلی حزب محافظه کار، علاقه شدید به عضویت در جامعه اروپا، خصوصی نمودن بازار،

مالیات های کم، طرفداری از یک سیستم دفاعی قوی و ادامه عضویت در ناتو است.

حزب محافظه کار، در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۹، ۳۷ نماینده را به پارلمان فرستاد. این حزب در

انتخابات سپتامبر ۱۹۹۳، ۲۹ نماینده به پارلمان فرستاد که نسبت به ۲۲/۲ درصد آراء سال ۱۹۸۹،

۱۵/۶ درصد آراء را به خود اختصاص داد.

همچنین این حزب طرفدار اعمال سیاست‌های خشن‌تر در مقابل مهاجرین و پناهندگان است. رهبر این حزب در حال حاضر، خانم کاچی کولمان فایو است.

حزب کمونیست (NKP=Norges Kommunistiske Party=Communist Party)

نروژ در حال حاضر دو حزب کمونیست دارد. یکی در سال ۱۹۲۳ به دلیل کنار کشیدن حزب کارگر از کمیترن از این حزب جدا شد و همیشه نسبت به مسکو وفادار بوده است. این حزب در انتخابات سال ۱۹۴۵ با داشتن یازده نماینده، حداکثر نفوذ سیاسی را به دست آورد و بعد از آن سیر نزولی یافت که بعد از فروپاشی شوروی تقریباً به حالت تعطیل درآمده است.

دومین حزب، حزب کمونیست کارگران نامیده می‌شود. این حزب، در سال ۱۹۷۳ به وجود آمد و منشاء آن نیز سازمان خلق سوسیالیست است. از نظر ایدئولوژی این حزب در راستای الگوی چپی حرکت می‌کند و مخالف سیاست‌های مسکو می‌باشد.

حزب سبز طرفداران محیط زیست (MDG)

این حزب سال ۱۹۸۸ در اسلو تأسیس شد. این حزب تاکنون موفق به داشتن کرسی در پارلمان نشده است. در سال ۱۹۸۹ (۱۱ دسامبر) از مجموع ۲۶۴۷۰۶۴ آراء تنها ۱۰۱۳۶ رأی (یعنی معادل ۰/۴ درصد) از آراء را به دست آورد.

حزب Stop Immigration

این حزب خواستار اتخاذ سیاست‌های جدی‌تر و خشن‌تر برای توقف مهاجرت‌ها به نروژ می‌باشد.

این حزب نیز تاکنون در پارلمان کرسی نداشته است و در انتخابات عمومی سپتامبر ۱۹۸۹، توانست

۳۰٪ آراء یعنی معادل ۸۹۶۳ رأی کسب نماید.

حزب کارگر (A=Labour party)

در اواسط قرن نوزدهم، انتقال نروژ به یک جامعه صنعتی و ماشینی آغاز شد و مهاجرت‌هایی به این

کشور صورت گرفت. در اوایل ۱۸۵۰، سازمان‌های شغلی شکل گرفت و بعد از آن تا سال ۱۸۸۰،

واحدهای تجاری و صنعتی تشکیل شدند. در سال ۱۸۸۷ نمایندگان واحدهای صنعتی و تجاری

گردهم آمدند و آنچه را که امروز حزب کارگر نامیده می‌شود تشکیل دادند.

در جلسه افتتاحیه، یک برنامه سوسیالیستی مورد قبول قرار نگرفت ولی بیانیه‌های حزب، بطور

ضمنی گویای یک شرایط سوسیالیستی بود تا اینکه در سال ۱۸۹۱، خط‌مشی سوسیالیستی مورد

قبول قرار گرفت. در اواخر قرن نوزدهم، یک جریان دست‌چپی در حزب کارگر به وجود آمد و

این گروه به تدریج نفوذ زیادی را به دست آورد، که انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در آن بی‌تأثیر نبود.

تا اینکه در سال ۱۹۱۸، گروه دست‌چپی کنترل کامل را در دست گرفت و این گروه به کمونیست

بین‌الملل سوم پیوست و دیکتاتوری پرولتاریا را رسماً پذیرفت.

در این سال‌ها، در داخل حزب کارگر آشوب و دگرگونی زیادی وجود داشت، تا اینکه در سال

۱۹۲۱ گروه میانه‌رو این حزب، روابط خود را با حزب به طور کامل قطع کرد و حزب کارگر

سوسیال دموکرات را تشکیل داد.

این دو حزب در سال ۱۹۲۷ مجدداً با هم متحد شدند تا اینکه در اواخر دهه ۱۹۵۰، نفوذ حزب کارگر به تدریج در نروژ تقویت گردید.

حزب کارگر در اثر بحران پارلمانی در سال ۱۹۲۷، موفق شد اولین کابینه خود را تشکیل دهد، اما

دوران حکومت وی کوتاه بود. علت آن هم این بود که اکثریت غیرسوسیالیست در پارلمان از

نفوذ حزب واهمه داشتند و بنابراین با هم متحد شدند و باعث سقوط دولت گردیدند. فرصت

بعدی در سال ۱۹۳۶ پیش آمد که حزب کارگر قدرت را در دست گرفت و توانست تا اشغال نروژ

توسط قوای آلمان (در سال ۱۹۴۰) باقی بماند. و از این زمان نیز تا سال ۱۹۴۵ به عنوان دولت در

تبعید، کار خود را در لندن ادامه داد. حزب کارگر بعد از انتخابات پارلمانی در پائیز ۱۹۴۵،

اکثریت کامل را در پارلمان به دست آورد و این اکثریت تا سال ۱۹۶۱ ادامه یافت و از این سال تا

۱۹۶۵ نیز با وجود اینکه اکثریت را در پارلمان نداشت ولی دولت در دست این حزب بود. تا اینکه

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۶۵ که غیرسوسیالیست‌ها اکثریت را به دست آوردند.

از آن زمان تاکنون، این حزب، نتوانسته است اکثریت را در پارلمان از آن خود نماید.

بزرگترین شکست سیاسی حزب کارگر در ارتباط با تمایل این حزب برای وارد کردن نروژ به

جامعه اروپا در سال ۱۹۷۲ بود که با شکست روبرو گردید و در داخل حزب انشعاب بوجود آمد.

کسانی که مخالف عضویت بودند از حزب جدا شدند و حزب سوسیالیست چپ را ایجاد کردند.

یکی از نتایج این انشعاب، شکست حزب در انتخابات پارلمانی ۱۹۷۳ بود. بعد از مدت‌ها سیر نزولی، نهایتاً در سال ۱۹۸۶، خانم گروهارلم برانتلند رهبر حزب کارگر دولت را در دست گرفت که دولت برخلاف گذشته یک دولت اقلیت بود.

این حزب با وجودی که اکثریت مطلق را در پارلمان به دست نیاورد ولی از سال ۱۹۸۶ تاکنون، به غیر از یک سال (۹۰-۱۹۸۹)، همچنان قدرت را در دست داشته است. حزب کارگر در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۹ توانست ۶۳ کرسی در پارلمان به دست آورد که در مقایسه با دوره قبل از آن، که ۷۱ کرسی داشت وضعیت نامتعادل‌تری به خود گرفت، علت بر سر قدرت ماندن این حزب با وجود این شرایط، ضعف احزاب دیگر برای تشکیل یک دولت ائتلافی است.

در آخرین انتخابات پارلمانی که در ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۹۳ برگزار گردید، خانم برانتلند پیروز شد و میزان محبوبیت این حزب نسبت به انتخابات گذشته حدود ۳ درصد افزایش یافت. در این انتخابات، حزب کارگر ۳۷ درصد آراء را کسب نمود، در حالی که در انتخابات گذشته (۱۹۸۹) موفق به کسب ۳۴/۳ درصد از آراء را به خود اختصاص داده بود. حزب کارگر در حال حاضر ۶۷ نماینده در پارلمان دارد. این حزب، قبل از انتخابات اخیر، برنامه‌های آینده خود را طی یک بیانیه هفت‌ماده‌ای چنین اعلام کرد:

- همبستگی جهت ایجاد مشاغل جدید، با حمایت از بخش خصوصی.
- تلاش بیشتر برای حمایت از سالمندان و کودکان و سازماندهی مجدد در تأمین مالی سیستم

بهداشتی.

- توزیع بهتر ثروت، از جمله وضع مالیات بیشتر برای درآمدهای بالا.

- اجراء اصلاحیه ۹۴ (رفرم ۹۴) به منظور افزایش آموزش و تربیت شغلی برای کودکان سنی ۶ تا

۱۹ سال.

- افزایش دوره آموزش از ۹ به ۱۰ سال (هنگامی که کودکان از سن ۶ سالگی پذیرفته می شوند).

- حمایت از امنیت شغلی، حفظ مزایای کنونی، از جمله حداقل مزایای جوانان.

- ادامه برقراری اولویت به محیط زیست، از جمله سرمایه گذاری فراوان در بخش راه آهن.

به طور کلی سیاست حزب کارگر افزایش مصرف عمومی و مالیات ها است، بزرگترین مشکل دولت در شرائط فعلی موضوع بیکاری است که انتظار نمی رود با توجه به شرائط اقتصادی جهان و

دنباله روی نروژ از آن، موفقیتی به دست آید. سایر مسائل به ترتیب اهمیت عبارتند از: عضویت در

بازار مشترک، سیاست های اقتصادی مسائل محیط زیست.

با توجه به کاهش اهمیت کشاورزی، این حزب برای جذب رأی گروه های دیگر، تصمیم گرفت

که نام حزب را به حزب میانه رو تغییر دهد. این حزب در سال های ۷۲-۱۹۶۵ علاوه بر پست های

نخست وزیر سیسه در سال ۱۹۸۹، در دولت های ائتلافی با غیر سوسیالیست ها شرکت داشته است.

حزب مرکزی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۹، یازده نماینده به پارلمان فرستاد که ۶/۵ درصد از

آراء را به خود اختصاص داده بودند. انتخابات اخیر پارلمانی (۱۹۹۳)، بزرگترین پیروزی برای حزب مرکزی به حساب می آید. در این انتخابات، حزب مرکزی موفق به کسب ۱۸/۵ درصد از آراء شد. به عقیده ناظرین سیاسی پیروزی چشمگیر حزب مرکزی، عضویت نروژ در بازار مشترک را بسیار مشکل تر نموده است و دولت حزب کارگر در چهارسال آینده با مشکلات فراوانی در پارلمان مواجه خواهد شد. تعداد نمایندگان این حزب در پارلمان کنونی ۳۲ نفر است.

حزب میانه رو مرکزی (SP=Centre Party)

تشکیل این حزب به اوایل این قرن برمی گردد و کشاورزان عامل تشکیل دهنده این حزب می باشند. از وقتی که سیل جمعیت روستایی نروژ به تدریج به طرف شهرها آغاز شد، کشاورزان برای تشکیل بیشتر، در سال ۱۹۲۲ حزبی را به نام حزب زمین تشکیل دادند. حزب زمین در آغاز، ضد سوسیالیست ترین حزب در میان احزاب نروژ بود. نقطه اوج موفقیت آن در انتخابات ۱۹۲۷ بود که توانست ۲۷ نماینده به پارلمان بفرستد. ولی از آن زمان تا کنون، این حزب مرتب سیر نزولی داشته است، که علت آن کاهش اهمیت کشاورزی و مناطق روستائی بوده است.

با توجه به کاهش اهمیت کشاورزی، این حزب برای جذب رأی گروه های دیگر، تصمیم گرفت که نام حزب را به حزب میانه رو تغییر دهد. این حزب در سال های ۷۲-۱۹۶۵ علاوه بر پست های نخست وزیری سیسه در سال ۱۹۸۹، در دولت های ائتلافی با غیر سوسیالیست ها شرکت داشته است. حزب مرکزی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۹، یازده نماینده به پارلمان فرستاد که ۶/۵ درصد از آراء را به خود اختصاص داده بودند. انتخابات اخیر پارلمانی (۱۹۹۳)، بزرگترین پیروزی برای

حزب مرکزی به حساب می آید. در این انتخابات، حزب مرکزی موفق به کسب ۱۸/۵ درصد از آراء شد. به عقیده ناظرین سیاسی پیروزی چشمگیر حزب مرکزی، عضویت نروژ در بازار مشترک را بسیار مشکل تر نموده است و دولت حزب کارگر در چهارسال آینده با مشکلات فراوانی در پارلمان مواجه خواهد شد. تعداد نمایندگان این حزب در پارلمان کنونی ۳۲ نفر است.

حزب دموکرات مسیحی (KFP=Christian Democratic Partg)

تشکیل این حزب ریشه در حزب لیبرال قدیم دارد. حزب دموکرات مسیحی در سال ۱۹۳۳ تشکیل شد، و علت تشکیل آن این بود که گروه های مسیحی شخصاً در سواحل غربی احساس می کردند که حزب لیبرال در مورد بعضی از موضوعات نمی تواند به خوبی عمل نماید. در سال های قبل از جنگ جهانی دوم، این حزب فقط یک نقش حاشیه ای، آن هم تنها در غرب نروژ بازی می کرد. اما بعد از جنگ تحریک بیشتری پیدا کرد و نهایتاً در انتخابات ۱۹۴۵، توانست ۸ نماینده به پارلمان بفرستد در سال ۱۹۷۷ به اوج موفقیت رسید. حزب در این زمان ۲۲ نماینده در پارلمان داشت. حزب دموکرات مسیحی در دولت ائتلافی ۷۳-۱۹۷۲ بعد از رفراندوم شرکت داشت و نخست وزیر از این حزب انتخاب گردید، همچنین این حزب در دولت ائتلافی کوره و یلوخ در سال ۱۹۸۱ شرکت داشت و بعد از انتخابات پارلمانی ۱۹۸۹، در دولت ائتلافی شرکت نمود که این دولت پس از یک سال از میان رفت. حزب دموکرات مسیحی در انتخابات سپتامبر ۱۹۹۳، ۸/۴ درصد از آراء را به دست آورد.

سیاست حزب، تأکید بر ارزش‌های معنوی و مسیحیت است، این حزب قبل از برگزاری انتخابات اخیر، اعلام نموده بود، در صورتی کابینه آینده ائتلاف خواهد نمود که کابینه آینده، حمایت‌های بیشتری از خانواده‌ها به عمل آورد.

حزب دموکرات مسیحی در حال حاضر ۱۳ نماینده در پارلمان دارد (در انتخابات ۸۹، ۱۴ نماینده در پارلمان داشت). رهبر حزب شل منگه بوندویک است که در دولت ائتلافی ۱۹۸۴، وزیر امور خارجه این کشور بود.

حزب سوسیالیست چپ (SVP=Socialist Left Party)

در تمام طول سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، یک گروه از چپی‌ها همیشه در برابر عضویت نروژ در ناتو مقاومت می‌کردند. این مخالفت در داخل حزب کارگر کاملاً مشهود بود تا اینکه، موضوع احتمال استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خاک نروژ پیش آمد و مخالفت را در داخل حزب کارگر تشدید کرد و همین مسأله باعث ایجاد حزب خلق سوسیالیست گردید. در انتخابات ۱۹۶۱، این حزب دو نماینده به پارلمان فرستاد، ولی بعد از آن، حمایت از حزب کاهش بسیاری یافت. تا

اینکه بعد از رفراندوم ۱۹۷۲، به گروهی که از حزب کارگر جدا شده بودند پیوستند و از قدرت خوبی برخوردار شدند؛ اما مسائل بعدی باعث کناره‌گیری کمونیست‌ها از حزب شد و در سال ۱۹۷۵، اعضاء باقی‌مانده حزب سوسیالیست چپ را بوجود آوردند. این حزب در انتخابات ۱۹۷۷ دو نماینده به پارلمان فرستاد که این نمایندگان در انتخابات ۱۹۸۹ به ۱۷ نفر رسید. در انتخابات

پارلمانی ۱۹۹۳، موفق به کسب ۷/۹ درصد آراء گردید که در مقایسه با ۱۰/۱ درصد آراء در

انتخابات ۱۹۸۹، تعداد نمایندگان و کرسی های پارلمانی به ۱۲ نفر کاهش یافت.

سیاست حزب، بر تلاش بیشتر برای کاهش بیکاری، توزیع عادلانه ثروت و رفاه اجتماعی و

افزایش سطح آموزش استوار است. این حزب، همچنین خواهان تأکید بیشتر بر همبستگی

بین المللی و کمک به کشورهای جهان سوم است و با عضویت کشور نروژ در جامعه اروپا مخالف

است. رهبر این حزب اریک سولهیم می باشد.

حزب ترقی خواه (FP=Progress ParigZ)

بحران سیاسی ناشی از نتیجه رفراندوم سال ۱۹۷۲، منجر به گردهمایی افراد مختلف گردید، که در

یکی از این جلسات در آوریل ۱۹۷۳ گروهی حزب ترقی خواه را بوجود آوردند که ریاست آن را

آندرس لانگ برعهده داشت. در انتخابات پائیز همان سال، این حزب ۴ کرسی در پارلمان به

دست آورد که حیرت همگان را برانگیخت مؤسس این حزب، سال بعد در گذشت و ریاست

حزب به کارلی هاگن رسید که تاکنون ادامه دارد. در انتخابات سپتامبر ۱۹۸۹، حزب ترقی خواه

موفق به کسب ۱۳ درصد از آراء گردید و ۲۲ نماینده به پارلمان فرستاد. در انتخابات سال ۱۹۹۳،

حزب ترقی خواه موفق به کسب ۶ درصد از آراء شد و تعداد نمایندگان این حزب به ۱۰ نفر

کاهش یافت.

سیاست حزب، مخالفت شدید با مهاجرین و حمایت از کمک مالی دولت به کشاورزان و ماهیگیران می باشد. اخیراً آقای هاگن رئیس حزب مترقی از سیاست کلیسای نروژ انتقاد کرد و معتقد بود که کلیسا از سایر مذاهب استقبال به عمل می آورد.

در مورد عضویت نروژ در جامعه اروپا، این حزب در آخرین کنگره خود اعلام کرد که این موضوع قابل بررسی است ولی هیچ گونه موضعی اتخاذ نگردید.

اتحادیه های کاری

کنفدراسیون اتحادیه های کاری نروژ از سال ۱۸۹۹ فعالیت خود را آغاز نمود و ۷۸۰ هزار نفر عضو در ۲۹ بنگاه وابسته دارد. تمام اعضاء اتحادیه ها، می توانند با تلکس با این اتحادیه مرکزی ارتباط برقرار کنند. عمده ترین این اتحادیه ها عبارتند از:

- اتحادیه کارگران مطبوعات، در سال ۱۹۰۹ تشکیل شد و ۸۲۸ عضو دارد.

- اتحادیه کارکنان اداری و تجاری، مرکز آن در اسلو است و از سال ۱۹۰۸ شروع به فعالیت نمود و ۶۰۳۰۳ عضو دارد.

- اتحادیه کارکنان هتل و رستوران در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد و در حال حاضر ۱۵۶۷۵ عضو دارد.

- اتحادیه افسران نظامی که مرکز آن در اسلو است و ۴۰۰۲ عضو دارد.

- اتحادیه کارگران عمومی در سال ۱۸۹۵ تأسیس شد و ۳۷۶۴۵ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران نیروگاهها از سال ۱۹۱۸ شروع به فعالیت نمود و ۲۸۴۷۴ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران صنعتی از سال ۱۹۵۱ فعالیت نمود و ۱۵۸۱۰ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران طراحی در سال ۱۸۸۲ با ۱۵۰۰۸ عضو شروع به فعالیت نمود.
- اتحادیه کارگران خط آهن در سال ۱۸۹۲ تأسیس و ۲۱۲۰۹ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران صنعت شیمیائی با ۳۷۷۷۷ عضو در سال ۱۹۲۰ شروع به فعالیت نمود.
- اتحادیه کارگران شهرداری در سال ۱۹۲۰ با ۱۸۰۸۰۳ عضو تأسیس شد.
- اتحادیه کارگران لوکوموتیو از سال ۱۸۹۳ شروع به فعالیت نمود و ۲۵۳۳ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران صنایع غذایی در سال ۱۹۲۳ تأسیس شد و ۳۵۰۰۸ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران پُست با ۱۲۷۵۵ عضو در سال ۱۹۰۱ تأسیس شد.
- اتحادیه کارگران شیلات در سال ۱۹۱۰ تأسیس و ۱۱۱۳۸ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی از سال ۱۹۵۹ شروع به فعالیت نمود و ۴۵۶۲ عضو دارد.
- اتحادیه کارگران مخابرات ۱۷۰۰۰ عضو دارد و در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد.
- اتحادیه مستخدمین شهری ۴۳۰۰۰ عضو دارد و در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد.

– اتحادیه کارکنان صنعت چوب در سال ۱۹۰۴ تأسیس و ۵۵۲۰ عضو دارد.

قانون اساسی و ویژگی‌های آن

قانون اساسی نروژ در ۱۷ می ۱۸۱۴ به تصویب رسید. طبق این قانون کشور پادشاهی نروژ،

کشوری آزاد، مستقل، تجزیه‌ناپذیر و غیرقابل انتقال است و شکل حکومت آن مشروطه سلطنتی و

موروثی می‌باشد. در این قانون آمده است که مسیحیت و مذهب انجیلی – لوتری به عنوان مذهب

رسمی و رایج کشور محسوب می‌شود. قدرت اجراء به پادشاه، قوه قانون‌گذاری به پارلمان و قوه



قضائیه به هیأت قضات واگذار گردیده است.

پادشاه همواره پیرو و وفادار کلیسای انجیلی - لوتری باقی می ماند و از آن پشتیبانی می نماید.

مطابق این قانون شخص پادشاه مقدس است، وی قابل سرزنش و اتهام نیست و مسئولیت امور به

عهدہ شورای دولت می باشد.

قانون اساسی مصوب می ۱۸۱۴، شامل ۱۱۲ اصل است. این قانون به ۵ فصل تقسیم شده است که

عناوین آن به شرح زیر است:

فصل اول: شکل حکومت و مذهب

فصل دوم: قوه مجریه، پادشاه و خانواده سلطنتی

فصل سوم: شهروندان و قوه قانون گذاری

فصل چهارم: قوه قضائیه

فصل پنجم: مقررات عمومی

طبق قوانین اساسی، دستور جمع آوری مالیات و عوارضی که پارلمان مقرر کرده است و نیز نظارت

بر اداره اموال و املاک، امتیازات و انحصارات دولتی (طبق نظر پارلمان) حق عفو و تخفیف

مجازات مجرمین، انتصاب مقامات کشوری و کلیسائی و نظامی برعهده پادشاه است.

همچنین بر طبق قانون، حق اعطاء مدال‌های افتخار، عزل و نصب کارمندان دربار و کاخ سلطنتی، اعلان جنگ و صلح، اعزام و پذیرش هیأت‌های دیپلماتیک بر عهده پادشاه گذاشته شده است و پادشاه فرماندهی کل نیروهای نظامی کشور را بر عهده دارد.

کاهش و یا افزایش نیروهای نظامی تنها با کسب رضایت پارلمان صورت می‌گیرد و بدون کسب اجازه از پارلمان، هیچ ارتش بیگانه‌ای را (به جز نیروهای کمکی به هنگام حمله دشمن) نمی‌توان وارد کشور نمود و نیروهای نظامی را در خارج از مرزهای کشور به کار گرفت.

در کشور نروژ، معاهداتی که اهمیت ویژه دارند و یا اجراء آنها مستلزم تدوین قانون و یا تصمیم

جدیدی از سوی پارلمان می‌باشد، بدون تصویب پارلمان، لازم‌الاجراء نخواهد شد. و به منظور

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و یا برای پیشبرد حقوق بین‌المللی و نظم و همکاری بین کشورهای،

پارلمان با اکثریت سه چهارم آراء می‌تواند تصویب نماید که یک سازمان بین‌المللی که نروژ

عضویت آن را بر عهده دارد در یک حوزه محدود دارای اختیاراتی گردد که به طور متداول

متعلق به مقامات نروژی است.

استقراض (بر پایه اعتبارات کشور)، کنترل امور مالی، تخصیص بودجه و تدوین و تصویب

قوانین مدنی و جزائی بر عهده پارلمان است.

در قانون اساسی مصوب ۱۸۱۴، اصلاحاتی صورت گرفته است، در قانون اصلاحی، اصول ۱۰، ۱۴،

۱۵، ۳۳، ۳۸، ۴۲، ۵۲ بند سوم اصل ۵۳، ۵۶، ۸۲، ۸۹ منسوخ شده است.

اصل ۱۱۲ قانون اساسی مصوب ۱۳۱۴، تجدیدنظر و اصلاح در قانون اساسی را پیش‌بینی نموده

است. طبق این اصل: اگر تجربه ثابت نماید که باید قسمتی از قانون اساسی کشور نروژ اصلاح

شود، پیشنهادات در این مورد تقدیم اجلاس عادی پارلمان خواهد شد. این پیشنهادات که متن آن

چاپ و منتشر خواهد شد به اولین، دومین یا سومین اجلاس عادی پارلمان که پس از یک انتخابات

عمومی تشکیل می‌گردد تسلیم خواهد شد. ولی تصمیم‌گیری در مورد این پیشنهادات به عهده

اولین، دومین و یا سومین اجلاس عادی پارلمان خواهد بود که پس از انتخابات عمومی دوره

بعدی تشکیل می‌شود.

به هر حال، چنین اصلاحیه‌ای نباید با اصول کلی قانون اساسی تعارض داشته باشد، باید صرفاً مربوط

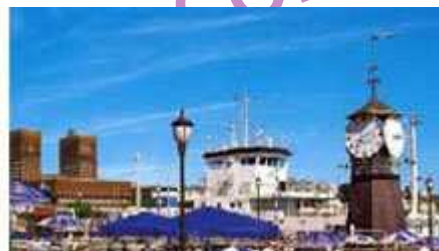
به مواد خاص بوده، روح قانون را تغییر ندهد و برای انجام چنین تغییری رأی اکثریت دو سوم از

نمایندگان لازم است. اصلاحیه‌ای که بدین ترتیب به تصویب می‌رسد باید به امضاء رئیس و منشی

پارلمان استورتینگ یا مجلس بزرگ برسد سپس برای توشیح و دستور انتشار، نزد پادشاه ارسال

گردد تا بدین ترتیب جزء ناگسستی قانون اساسی نروژ گردد.

تقسیمات کشوری و اداری



پایتخت کشور نروژ، شهر اسلو است که طبق آمار سال ۱۹۹۰، ۴۵۸۳۶۴ نفر جمعیت دارد. این

کشور به ۲۱ ایالت تقسیم شده است، که زیر نظر فرمانداری و شورای منتخب اداره می شود، این

ایالات عبارتند از: - وارنجرهال ووی (Varngerhalvoy)، در شمال شرقی نروژ، مرکز آن

وادیسو (Vadaso).

- فین مارک در مغرب وارنجرهال ووی، مرکز آن آلتا.

- ترومس (Troms) در مغرب فین مارک و مرکز آن تروسو.

- نوردلند (Nordland) در جنوب ترومس و مرکز آن نارویک (Norvik).

- نوردتروندلاگ (Nordtronde lag) در جنوب نوردلند و مرکز آن استینک جر (Stein

Kjer).

- سورتروندلاگ (Sortrondelag) در جنوب نوردتروندلاگ و مرکز آن تروندهایم

(Trondheim). - موره اوگ رومسدال (Mor og Romsdal)، در مغرب سورتروندلاگ و

مرکز آن آله سوند (Alesund).

- سوگن اوگ فیوردان (Sogen of Fjordan)، در جنوب موره اوگ رومسدال و مرکز آن

هرمانسروگ (Hermansverk).

- اوپلاند در مشرق سوگن اوگ فیوردان، مرکز آن لیله هامر (Lillehammer).

- هدمارک (Hedmark) در مشرق اوپلاند و مرکز آن هامار.

- آکرشوس (Akershus) در جنوب هدمارک، مرکز آن آزماس.

- اوسلو و در مغرب آکرشوس و مرکز آن اسلو.

- اوست فولد (Ostfold) در جنوب آکرشوس، مرکز آن هالدن.

- وست فولد (Vestfold) در جنوب نروژ، مرکز آن هورتون.

- بوسکرُد (Buskerud)، در مغرب اوپلاند، مرکز آن اسکین.

- تهلهمارک، در مغرب بوسکرُد و مرکز آن اسکین.

- وست آگدر در جنوب تهلهمارک، مرکز آن در آرنالد.

- وست آگدر در جنوب اوست آگدر، مرکز آن کریستیان سوند.

- روگالاند در مغرب اوست آگدر، مرکز آن استاوانگر.

- هوردالاند، در شمال روگالاند مرکز آن، روسن دال.

- برگن در مغرب هوردالاند و مرکز آن برگن.

پرچم

پرچم کشور نروژ همانند سایر کشورهای اسکاندیناوی به صورت صلیب است. از سال ۱۳۸۱م. تا

۱۸۱۴، نروژی‌ها از پرچم دانمارک استفاده می کردند که صلیبی سفید بر زمینه‌ای قرمز داشت. با

استقلال نروژ در سال ۱۹۰۵، نروژی ها بر پرچم دانمارک یک صلیب آبی رنگ نیز افزودند تا هم حاکمیت خویش را نشان دهند و هم از پرچم دانمارک متمایز گردند.

سیستم انتخابات

انتخابات، هر چهار سال یک بار انجام می گیرد و تا آخر ماه سپتامبر پایان می یابد. تعداد نمایندگان که برای عضویت در پارلمان انتخاب می شوند، ۱۶۵ نفر می باشند. هر استان به منزله یک حوزه انتخاباتی است. شرکت کنندگان در انتخابات به هنگام اخذ رأی، باید بیست سال تمام داشته باشند.

هر ناحیه خودمختار، یک ناحیه رأی گیری جداگانه محسوب می گردد. آراء به طور مستقیم برای انتخاب نمایندگان پارلمان در تمامی حوزه های انتخابیه به صندوق ریخته می شود. نظام انتخاباتی نسبی خواهد بود. قواعد حاکم بر این امر و نیز مقررات خاص انتخابات، با رعایت قانون اساسی به موجب قانون تعیین خواهد شد.

به موجب قانون اساسی، تنها کسانی می توانند برای نمایندگان پارلمان انتخاب شوند که از ده سال قبل از انتخابات مقیم کشور باشند و حق رأی دادن داشته باشند. کارمندان مشاغل دولت، ملتزمین، خدمتگزاران یا حقوق بگیران دربار حق ندارند که به عنوان نماینده مجلس انتخاب شوند، این امر در مورد کارمندان امور دیپلماتیک و کنسولی نیز لازم الاجراء است و نیز اعضاء شورای دولت حق

حضور در پارلمان را به عنوان نماینده ندارند، مگر آنکه از مقام خود در شورا کناره گیری کرده باشند.



تمامی کسانی که به عنوان نماینده انتخاب شده‌اند موظف به قبول انتخاب خود می‌باشند مگر آنکه در خارج از ناحیه انتخاباتی که در آن از حق رأی برخوردار هستند، انتخاب شده باشند و یا منع قانونی داشته باشند که پارلمان آن را تأیید نماید.

پارلمان (یا مجلس بزرگ) یک چهارم اعضاء خود را نامزد عضویت در مجلس اعلی (لاگ تینگ) نماید و سه چهارم بقیه را مجلس سفلی (آدل استینگ) تشکیل می‌دهند. این نامزدی در نخستین اجلاس عادی پارلمان که پس از یک انتخاب جدید تشکیل می‌شود، به عمل می‌آید. و پس از آن تا وقتی که کرسی‌های مجلس اعلی خالی نمانده باشد بدون تغییر باقی خواهد ماند.

کرسی‌های خالی از طریق نامزدی ویژه توسط پارلمان پر می‌شود. هر یک از دو مجلس، جلسات خود را جداگانه تشکیل می‌دهد و رئیس و منشی خود را انتخاب می‌نماید. هیچک از دو مجلس نمی‌تواند بدون حضور حداقل نیمی از اعضاء خود تشکیل جلسه بدهد. رسیدگی به لوایحی که

مربوط به اصلاح قانون اساسی است، مستلزم حضور حداقل دو سوم نمایندگان پارلمان می باشد.

در هر انتخابات، احزاب کاندیداهای خود را معرفی می کنند و ضمن اعلام برنامه های خود، به

رقابت می پردازند. در نتیجه هر حزب، تعدادی نماینده در مجلس دارد. هر قدر تعداد نمایندگان یک

حزب بیشتر باشد در واقع قدرت آن بیشتر است و شانس بیشتری برای تشکیل دولت دارد.

سیستم دفاعی



صنایع نظامی

نروژ و سوئد از سال ۱۹۸۳، همکاری هایی به طور پراکنده در بخش نظامی با یکدیگر به عمل

آورده اند. در سال جاری، دو کشور موافقت نامه ای را در زمینه تولید مشترک اقلام نظامی با

یکدیگر به امضاء رساندند. در حال حاضر، دو سوم تولیدات نظامی سوئد به کشورهای عضو پیمان

ناتو صادر می گردد. این دو کشور، بزرگترین تولیدکنندگان اقلام نظامی در کشورهای نوردیک به

شمار می روند ولی دانمارک و فنلاند در زمینه تولید اقلام نظامی، تمایلی برای مشارکت با دو

کشور سوئد و نروژ ندارند.

از سوی دیگر، به دنبال سفر وزیر دفاع آلمان از نروژ، در سپتامبر ۹۳، دو کشور موافقت نامه

همکاری در زمینه توسعه و تجهیزات زیردریائی ها امضاء نمودند و نروژ، قراردادی برای خرید ۹۲

تانک دست دوم لئوپارد با آلمان منعقد نمود، کل ارزش این قرارداد، ۵۵/۵ میلیون دلار می باشند.

گفته می شود که وزیر امور خارجه نروژ توانست حدود ۹۵ درصد از مقامات آلمانی تخفیف بگیرد

و در مقابل، به شرکت های آلمانی قول اعطاء قرارداد مدرنیزه کردن نفت کش های این کشور را

داده است.

ساخت ارتش

سیست دفاعی نروژ بر اساس خدمت وظیفه عمومی و اجباری اتباع ذکور کشور پایه گذاری شده

است، بدین ترتیب که هر فرد ذکوری بین سنین ۱۹ تا ۴۵ سالگی مشمول خدمت وظیفه عمومی و

اجباری می گردد.

مدت خدمت نظام وظیفه در نیروی زمینی ۱۲ ماه و در نیروی دریائی و هوائی ۱۵ ماه می باشد. در

نروژ، نیروی ذخیره و احتیاط نیز تدارک دیده شده است که ظرف مدت ۲۴ تا ۷۲ ساعت بسیج

می شوند، شمار این نیرو در سال ۱۹۹۰، ۲۸۵۰۰۰ نفر بود و کل پرسنل ارتش ۳۴۱۰۰ نفر شامل

۲۱۸۰۰ نفر وظیفه بود. بودجه دفاعی نروژ در سال ۱۹۹۰، ۲۱/۸۹۳ میلیارد کرون، معادل ۶/۶ درصد

کل هزینه های دولت بود که در سال ۱۹۹۲ به ۲۳/۱۶ میلیارد کرون افزایش یافت.

خلع سلاح و سلاح هسته ای

نروژ کشوری است که هیچ گونه سلاح هسته‌ای ندارد و در ظاهر هم، هیچ برنامه‌ای در این مورد در نظر نگرفته است. بنابر این در اکثر مذاکرات، بر عدم افزایش این سلاح‌ها تأکید دارد. کاهش این سلاح‌ها، به خصوص در روسیه، می‌تواند به امنیت این کشور کمک شایان توجهی بنماید.

در مورد سلاح‌های متعارف هم، نروژی‌ها فعالانه در مذاکرات CFEZ شرکت نموده‌اند. اجلاس شورای همکاری آتلانتیک شمالی در اسلو، تقریباً این مذاکرات را به نتیجه نهائی رساند.

عضویت در پیمان‌های نظامی

- پیمان آتلانتیک شمالی ناتو (NATO)

- کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE)

- اتحادیه اروپای غربی

- اتحادیه امنیتی آتلانتیک (ATA)